



پیش‌ها و پاسخ‌ها

کد پرسش: ۴۲۸

عقاید
شناخت خداوند
صفات خداوند و افعال او

پرسش کننده:
علی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره پرسش: ۱۷

تاریخ پرسش: ۱۳۹۷/۱۲/۷

معنای قضا و قدر چیست؟ تفاوت آن دو در چیست؟ معنای حتمیت در قضا و قدر چیست؟ مگر قضا و قدر غیر حتمی هم داریم؟ آیا انسان در قضا و قدر الهی نقشی دارد؟ به چه شکل؟ آیا دامنه‌ی قضا و قدر الهی آن قدر گسترده است که شامل همه‌ی امور می‌شود یا استثناهایی در این خصوص وجود دارد؟ بین قضا و قدر و قانون علیت چه نسبتی وجود دارد؟ با سپاس و تشکر از شما

پاسخ به پرسش شماره: ۱۷

تاریخ پاسخ به پرسش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۳

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. قضا بر دو گونه است: قضا تشریحی و قضا تکوینی. قضا تشریحی به معنای حکم است؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ (اسراء / ۲۳)؛ «و پروردگارت قضا کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید»؛ یعنی حکم کرد و قضا تکوینی به معنای خلق است که از اراده و فعل تشکیل می‌شود؛ چنانکه فرموده است: ﴿قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (آل عمران / ۴۷)؛ «گفت این گونه خداوند هر چیزی که می‌خواهد را خلق می‌کند، هرگاه چیزی را قضا کند تنها به آن می‌گوید باش، پس می‌باشد» یعنی اراده کند و فرموده است: ﴿لَيَقْضِي اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا﴾ (أنفال / ۴۴)؛ «تا خداوند کاری که انجام شدنی بود را قضا کند» یعنی انجام دهد. بنابراین، هر مخلوقی که از اراده و فعل خداوند نشأت گرفته، قضا اوست و قدر او اندازه‌ای است که برای آن قرار داده؛ چنانکه فرموده است: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ (قمر / ۴۹)؛ «ما هر چیزی را به قدری خلق کردیم» یعنی به اندازه‌ای و مراد از اندازه، طول، عرض، عمق، وزن، جرم، حجم، غلظت، دما و سایر حدودی است که برای هر مخلوقی وجود دارد و آن را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند. این قضا و قدر خداوند است که از حکمت او برخاسته؛ زیرا او به هر چیزی خلقتی که قابلیتش را داشته عطا کرده؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقْدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ (فرقان / ۲)؛ «و هر چیزی را آفرید، پس آن را درست به اندازه ساخت».

۲. هر قضایی بسته به قدر خود، مقتضایی دارد که لازمه‌ی طبیعی آن است و از آن گزیری نیست. به عنوان مثال، مقتضای جسم برنده این است که هرگاه با جسم قابل بریدن برخورد کند،

آن را ببرد و مقتضای جسم سوزنده این است که هرگاه با جسم قابل سوختن برخورد کند، آن را بسوزاند و مقتضای جسم شکننده این است که هرگاه با جسم قابل شکستن برخورد کند، آن را بشکند. بنابراین، بریده شدن جسم قابل بریدن به هنگام برخورد با جسم برنده و سوختن جسم قابل سوختن به هنگام برخورد با جسم سوزنده و شکستن جسم قابل شکستن به هنگام برخورد با جسم شکننده، ناشی از قضاء و قدر خداوند است و با این وصف، هیچ جسمی بریده یا سوخته یا شکسته نمی‌شود مگر با قضاء و قدر خداوند، بلکه هیچ برگی از درخت نمی‌افتد مگر با قضاء و قدر خداوند و قضاء و قدر خداوند هر حادثه‌ای در جهان را فرا گرفته است. این مراد علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی از حکمتی است که یکی از یارانمان ما را از آن خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ الْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ، فَقَالَ: خَلَقَ اللَّهُ وَ مَا يَقْتَضِيهِ، قُلْتُ: فَسَّرَ لِي جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا قَدَرَهُ وَ قَضَاهُ، فَإِذَا قَضَاهُ يَجْرِي كَمَا يَقْتَضِيهِ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَلَا يَتَجَاوَزُ قَدْرَهُ وَ لَا يَخْرُجُ عَمَّا قُضِيَ لَهُ، ثُمَّ قَالَ: يَجْرِي مَجْرَاهُ عَلَى عِلْمِ اللَّهِ حَتَّى يَبْلُغَ أَجَلَهُ أَوْ يَمْنَعَهُ اللَّهُ بِقَضَاءٍ آخَرَ»؛ «از منصور درباره‌ی قضاء و قدر پرسیدم، پس فرمود: آن آفرینش خداوند و چیزی است که اقتضایش می‌کند، گفتم: برایم توضیح بده فدایت شوم، پس فرمود: هرآینه خداوند هرگاه چیزی را اراده می‌کند آن را اندازه می‌گیرد و عینیت می‌بخشد، پس چون آن را عینیت بخشید، جریان می‌یابد همان طور که اقتضا می‌کند تا مدتی معین، پس از اندازه‌ی خود نمی‌گذرد و از چیزی که برای آن عینیت یافته است خارج نمی‌شود، سپس فرمود: در مجرای خود جریان می‌یابد با علم خداوند تا آن گاه که به اجل خود برسد یا خداوند با قضایی دیگر مانعش شود.»

۳. انسان نیز از مصادیق قضاء و قدر است؛ چراکه مخلوقی از مخلوقات خداوند است و هر حادثه‌ای که برای او روی می‌دهد، مقتضای خلقت او و خلقت سایر مخلوقات است و این منافاتی با اختیار او ندارد؛ چراکه اختیار او نیز جزئی از قضاء و قدر است. بنابراین، هنگامی که او با اختیار خود، مرتکب گناهی می‌شود، با قضاء و قدر خداوند مرتکب آن شده است؛ زیرا خلقت او توسط خداوند به گونه‌ای است که هرگاه گناه قابل ارتکابی را اختیار کند، آن را مرتکب شود؛ همچنانکه هرگاه کار نیکی را انجام می‌دهد، با قضاء و قدر خداوند آن را انجام داده است؛ زیرا خلقت او توسط خداوند به گونه‌ای است که هرگاه کار نیک قابل انجامی را اختیار کند، آن را انجام دهد. این مقتضای خلقت او توسط خداوند است و علاوه بر این، خداوند همواره می‌تواند با لطف یا عدل خود، در برابر مقتضای مانعی قرار دهد تا اختیار بد

یا خوب انسان، به ارتکاب گناه یا انجام کار نیک نینجامد. از این رو، هیچ گناه یا کار نیکی توسط انسان، بدون **مشیت** و اذن خداوند انجام نمی‌شود و مشیت و اذن خداوند بر قضاء و قدر او مقدم است.

۴. علم خداوند به هر قضاء و قدری محیط است؛ به این معنا که خداوند از ازل می‌داند که کدام قضاء و قدر در کدام زمان کدام پدیده را اقتضا خواهد کرد و این منافاتی با اختیار انسان ندارد؛ زیرا به معنای آن نیست که انسان نمی‌تواند کاری را اختیار کند، بل به معنای آن است که خداوند از ازل می‌داند که او کدام کار را اختیار خواهد کرد و میان این دو فرق بسیاری است (برای آگاهی بیشتر در این باره، بنگرید به: **پرسش و پاسخ ۲۶۲**).

۵. قضاء و قدر خداوند با قانون علیت پیوندی نزدیک دارد؛ چراکه قانون علیت حاکی از وجود علت برای هر پدیده‌ای است و قضاء و قدر خداوند، علت هر پدیده‌ای محسوب می‌شود. بنابراین، قانون علیت حاکی از آن است که هر پدیده‌ای از قضاء و قدری پدید آمده است.

دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی
مجلس پاکستانی برپیش



پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه گوگل پلاس پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.